

۱۵

نبرد سرخوشت؛


نوروز حماسه

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

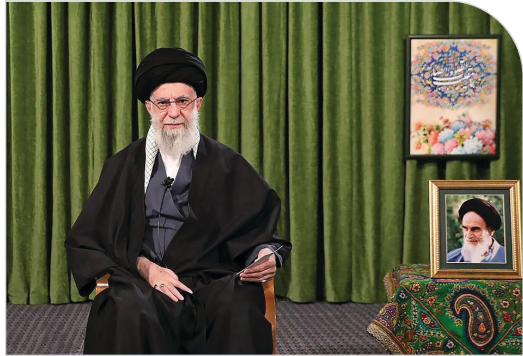
 @ [paiamenehzat](https://t.me/paiamenehzat)

فهرست

۴	پیام اول	استخدام آیین‌های باستانی و جهت‌دهی به مضمون آن، سنت و سیره رهبر شهید ما بود.
۵	پیام دوم	با زیرکی و ابتکار ایرانی، نشاط اجتماعی، حماسه و عزا را تلفیق کنیم.
۶	پیام سوم	مسئله خلیج فارس بستر خوبی برای تحریک غرور ملی در دیدوبازدیدهای نوری است.
۷	پیام چهارم	نوروز فرصتی برای جذب بدنه خاموش به اجتماعات شبانه است.
۸	پیام پنجم	نوروز فرصت خوب سرکشی برای تکریم خانواده شهدا و عیادت از آسیب‌دیدگان جنگ است.
۹	پیام ششم	خدمت‌رسانی و نظارت دولت در نوروز زمینه استمرار زندگی عادی مردم پس از آن را فراهم می‌کند.
۱۰	پیام هفتم	در اجتماعات خیابانی سبک جدیدی از مراسم تحویل سال برگزار شود.
۱۱	پیام هشتم	در روزهای جنگ، نوروز باید به پیوند اجتماعی کمک کند نه به میدان اختلاف تبدیل شود.
۱۲	پیام نهم	صله‌رحم در نوروز مهم‌ترین فرصت برای گفتگو با بدنه خاموش اجتماعی است.
۱۳	پیام دهم	سنت نوروز در نقطه مقابل اراده دشمن برای تعطیل کردن زندگی است.
۱۴	پیام یازدهم	جمع نشانه‌های نوروز (نماد امید) و نشانه‌های عزا (نماد انتقام) در نوروز امسال ضروری است.
۱۵	پیام دوازدهم	مسافرت‌های شهر تهران نباید به خالی‌شدن شهر منجر شود.
۱۶	پیام سیزدهم	نوروز آیینی است که در شرایط تقابل، قدرت نرم و تاریخی جامعه ایرانی را آشکار می‌سازد.
۱۷	پیام چهاردهم	هم‌زمانی نوروز و عید فطر سرمایه‌ای فرهنگی برای تقویت تاب‌آوری جمعی در شرایط جنگ است.

استخدام آیین های باستانی و جهت دهی به مضمون آن، سنت و سیرۀ رهبر شهید ما بود.

رهبر شهید انقلاب برخلاف برخی دیدگاه ها که تقابل بین هویت ملی با هویت دینی و اسلامی را ترویج می کردند، همواره بر همسازی و یگانگی ایرانیّت و اسلامیت تأکید داشتند. ایشان بر این باور بودند که امام خمینی رحمة الله علیه ساخته و پرداخته هویت و فرهنگ ملی ایرانی است و بر همین اساس انقلاب اسلامی را زاینده فرهنگ و هویت ایرانی می دانستند.



یکی از تأکیدات رهبر شهید انقلاب که خود در سنت و سیره سیاسی-اجتماعی شان بر آن ملزم بودند، اخذ و استخدام قالب ها و آیین و رسوم باستانی ایرانی و جهت دهی به مضمون و محتوای آن بوده است. این سنت رهبر شهید ما، برگرفته از سنت امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که در فرمان خود به جناب مالک اشتر فرمودند: «هیچ سنت نیکویی را که این مردم (مردم مصر) سینه به سینه به آن عمل کرده اند و جامعه با آنس با آن، همبستگی پیدا کرده است و توده مردم در مسیر (این سنت) آموزشان اصلاح می گردد، ران نشکن».

بر همین اساس، قائد شهید در بیانات متعددی آیین و رسوم نوروز را یکی از نمونه های موقّ در فرهنگ ایرانی می دانستند که قالب و صورت ظاهری آن از دوران ایران باستان اخذ شده، اما در ایران پس از اسلام (ایران اسلامی). خصوصاً پس از انقلاب. مضمون و محتوایی دینی در آن اشراب شده است. این که مردم ایران در لحظه تحویل سال در اماکن زیارتی و معنوی حضور می یابند، اینکه ادعیه اهل بیت را در لحظه تحویل سال بر زبان جاری می کنند، اینکه سنت دینی صلّه رحم را در ایام نوروز انجام می دهند و... مواردی است که بارها مورد ستایش رهبر شهید انقلاب قرار گرفته است. امروز در شرایط جنگی که در آن قرار گرفته ایم، در امتداد سنت و سیره رهبر شهیدمان باز هم می توانیم از آیین و رسوم نوروز به عنوان یک ظرفیت و فرصت در برابر دشمن آمریکایی. صهیونی استفاده کنیم؛ قالب و فرم ظاهری آیین ها و مناسک را حفظ کنیم و مضمون متناسب با شرایط جنگی را به آن تزریق نماییم.

بازیرکی و ابتکار ایرانی، نشاط اجتماعی، حماسه و

عزاد ترفیق کنیم.



یکی از ویژگی‌های مردم ایران که می‌توان آن را جزو خلقیات ایرانی به حساب آورد، خلاقیت و نوآوری و ابتکار در مواجهه با حوادث سیاسی، شرایط خطیر اجتماعی یا بحران‌ها است. مردم ایران در برخورد با شرایط اجتماعی و سیاسی متنوع، انعطاف‌پذیر هستند. در شکل‌گیری این روحیه انعطاف‌پذیر، هم شعر و ادب فارسی نقش داشته و هم فرهنگ شیعی که در روح و جان مردم ایران رسوخ کرده است. رهبر شهید انقلاب در سخنرانی نوروزی سال

۱۳۹۴ به «زیرکی انسان مسلمان ایرانی» در برخورد با پدیده باستانی نوروز اشاره کرده و اصرار داشتند که این زیرکی و خلاقیت ایرانی باید در عرصه‌های دیگر نیز خود را نشان بدهد. امروز هم که ما درگیر یک جنگ منطقه‌ای بزرگ با دو ابرقدرت نظامی جهان هستیم، مردم ایران آمادگی فرهنگی و تاریخی لازم را برای اینکه متناسب با این شرایط جنگی ابتکار و نوآوری‌های فرهنگی خود را به میدان بیاورند، دارا هستند.

یکی از پیچیدگی‌های شرایط اجتماعی کشور در نوروز ۱۴۰۵، این است که مردم ایران از یک سو عزادار رهبر شهیدانقلاب و بیش از هزار شهید جنگ رمضان هستند و از سوی دیگر نیاز به نشاط اجتماعی و ملی در برابر دشمن آمریکایی - صهیونی که در صدد برهم‌زدن و اختلال در زندگی روزمره مردم است، احساس می‌شود. تلفیق بین عزاداری، نشاط اجتماعی و روح حماسی یک نیاز اساسی برای امروز جامعه ایران است. ظاهراً بین شادی و نشاط نوروز و غم و عزاداری رابطه متضادی وجود دارد اما ابتکار و نوآوری ایرانی می‌تواند این دو را با هم تأمین و تضمین کند. رهبر شهیدانقلاب، خود در مقاطعی که ایام نوروز با عزای حضرات معصومین علیهم‌السلام همزمان می‌شد، توأمانی بین تبریک ایام عید نوروز و نشاط جمعی ایران و در عین حال، رعایت و مراعات احترام اهل بیت (علیهم‌السلام) را توصیه می‌کردند. ابتکار ایرانی می‌تواند بدون حذف کردن مناسک و رسوم نوروزی مردم ایران، در مضامین و محتوای این مناسک به گونه‌ای نوآوری بکند که هم احترام شرایط عزای عمومی مراعات شود و هم نشاط اجتماعی و روح حماسی مردم برانگیخته شود.

برجسته‌سازی مسئله خلیج فارس بستر خوبی برای تحریک حساسیت غرور ملی در دیدوبازدیدهای نوروزی است.

نوروز ۱۴۰۵ با سایر نوروزهایی که مردم در تاریخ معاصر ایران تجربه کرده‌اند، یک فرق اساسی دارد؛ ایران مشغول یک نبرد بزرگ منطقه‌ای با ابرقدرت نظامی جهان است. در این شرایط جنگی باید اندیشید که هم در حرکت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی و هم در مناسک اجتماعی که مردم به آن پایبند هستند. مانند دید و بازدید و ... چگونه می‌توانیم اِلمان‌های ایرانی متناسب با این جنگ بزرگ را برجسته کنیم. هر میزان بتوانیم به سمت نمادهای ایرانی برویم که کمترین اختلاف و بیشترین اجماع بر سر آن وجود دارد و تناسب بیشتری هم با جنگ اخیر داشته باشد، پشتیبانی اجتماعی جدی‌تری از میدان جنگ رخ خواهد داد.



ایرانیان بر روی «خلیج فارس» و ماهیت فارسی و ایرانی آن حساسیت و غیرت دارند. تعرض به عنوان «فارس» از سوی برخی قدرت‌های غربی و دول عربی، همواره با واکنش تند مردم، نخبگان و فعالان اجتماعی ایران. حتی از سوی آن طیفی که میانه خوبی با حاکمیت سیاسی کشور نداشته‌اند. همراه بوده است. در جنگ رمضان یکی از کلیدی‌ترین نقطه‌های نزاع خلیج فارس و حاکمیت ایران بر تنگه هرمز است. روند جنگ به گونه‌ای پیش رفته است که نیروی دریایی قهرمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با شجاعت و اقتداری مؤمنانه و مثال‌زدنی، در برابر اراده ابرقدرت دریایی جهان - آمریکا، صفا آرای کرده است.

یکی از اهداف اساسی آمریکا در این جنگ نابودی نیروی دریایی کشور برای حاکم شدن بر خلیج فارس است و حرف و حدیث‌ها و نقشه‌هایی مبنی بر انتقال سربازان نظامی آمریکا به جزایر ایرانی. مانند خارک. در روزهای جنگ شنیده شد. واکنش جامعه به اخبار این چنینی بسیار تند بود، تا آنجا که موجی از جوانان و مردم حرکت به سمت جزایر ایرانی برای دفاع از آن را در دستور کار قرار دادند. گفتگو از خلیج فارس و ماهیت ایرانی آن و تعرض آمریکا و رژیم صهیونی به این خلیج و عزم جمهوری اسلامی برای صیانت از آن و تبدیل آن به یکی از ابزارهای قدرت خود، می‌تواند حساسیت و غرور ملی را برانگیزد و یک اجماع ملی در پشتیبانی از جمهوری اسلامی و نیروهای مسلح کشور خلق کند.

نوروز فرصتی برای جذب بدنه خاموش به اجتماعات

شبانه است.



جامعه ایرانی، اکنون در کانون حوادثی مهم قرار گرفته است. کنش‌های هوشمندانه جمعی به‌ویژه تجمعات شبانه ایرانیان، پشتوانه‌ای مستحکم را فراهم آورده است. علی‌رغم این حضور پرشور، هنوز خطر مرتفع نیست و بخش عمده تلاش‌های دشمن متکی بر آوردن بدنه‌ای اجتماعی به سود خود است. علاوه بر این، میزان همبستگی ایرانیان از جمله با حضور کمیت بیشتر

نسبت دارد همچنان که با شدت و کیفیت کنش‌ها هم ارتباط دارد.

بخشی از ایرانیان به دلایلی مانند باقی بودن برخی نارضایتی‌ها یا تأثر از شبهات دشمن در فضای مجازی در وضعیتی ساکت قرار دارند. این سکوت نوعاً توأم با تردید هم هست؛ تردید در این‌که آیا باید کاری انجام دهد یا خیر؟ یا این‌که همراهی او با دیگر ایرانیان آیا به معنای تأیید صددرصد حاکمیت است یا خیر؟ یا...

با عید نوروز و به طور طبیعی ایجاد فرصت صلۀ رحم و دیدن دوستان، فرصتی مناسب برای جریان فعال کشور که مقابلۀ با دشمن را در کنش جمعی خویش متجلی می‌سازند، فراهم می‌آید تا گفت‌وگویی صمیمی و جدی با این بخش ساکت از فامیل و دوستان خود داشته باشند. کسانی که دغدغۀ حراست از کشور، مقابلۀ با نقشۀ تجزیه ایران و ایستادن در مقابل خواست دشمن دارند، باید این فرصت را مغتنم بشمارند. همان‌طور که خود ایشان در تجمعات شبانه شرکت می‌کنند، باید گفت‌وگو در این فرصت‌های نوروزی را هم هم‌سو با همان کنش شبانه بدانند؛ برای این‌که دیگران را با خویش همراه سازند و جمعیت‌های شبانه را پرتعدادتر برگزار کنند.

بدیهی است این گفت‌وگوها باید صمیمی و با پرهیز از جدال، استدلال‌محور و با استفاده از بازخوردهای جهانی و داخلی باشد. گاه مسیر تغذیه فکری بخشی از این افراد محتواهای آن‌سوی مرزها است و ایشان خود را در فضایی ایزوله نگه داشته‌اند. ارائه محتواهای هم‌سو با جریان و فکر انقلاب از زبان افراد غیرانقلابی می‌تواند این حلقۀ بسته ذهنی را بشکند. افزون شدن جمعیت به شکلی همدل نه تنها امری نمادین بلکه سرمایه‌گذاری برای ساخت ایران آینده است.

نوروز فرصت خوب سرکشی برای تکریم خانواده شهادت و عیادت از آسیب دیدگان جنگ است.

در نخستین پیام رهبر انقلاب، بر رسیدگی به آسیب دیدگان جنگ حاضر تأکید شده بود. این بخش مهمی از پایداری اجتماعی و تقویت توان روحی کشور است. برخی از خانواده‌ها دچار غم از دست دادن نزدیکان یا از دست رفتن و آسیب به خانه‌ها و اموال شده‌اند. تکریم این آسیب دیدگان با ضرورت‌های واضح اجتماعی هم قابل فهم است.



هر ایرانی برای شرائط دفاعی کشور یک سرباز است. سربازی که ولو مشغول زندگی خویش باشد اما با همدلی خود می‌تواند عقبه جنگ و تنگه احد را به خوبی حفظ کند. ضربه‌های عاطفی یا مادی گاه باعث گسیختگی روحی و روانی و عدم ثبات می‌شود. این عدم ثبات و گسیختگی به سرعت می‌تواند به اطرافیان سرایت کند و آرامش پشت جبهه را مختل کند.

حضور افرادی از حلقه بیرون از آشنایان آسیب دیدگان توأم با اکرام و دل‌داری ایشان، معانی ویژه‌ای دارد که به آسیب دیدگان هم منتقل خواهد شد؛ این‌که همه ما ایرانیان در هنگامه‌ای این چنین ولو این‌که از یک خانواده نباشیم ولی مانند یک خانواده واحد عمل می‌کنیم. هیچ دل‌داری بالاتر از این نیست که آسیب دیده احساس کند «تنها» نیست. وقتی بیگانگانی که حتی با آسیب دیده آشنایی نداشته باشند، برای التیام نزد او حاضر می‌شوند و با احساسات خاص ایرانی-اسلامی فضایی صمیمانه خلق می‌کنند، آرامشی ویژه به او اهدا می‌کنند.

ممکن است حوائجی ویژه به چشم بیاید که رفع آن‌ها مقدور نشده باشد؛ اما در چنین باز دیده‌هایی، افراد بیرون از حلقه معهود ممکن است توانمندی خاصی برای تدارک برخی آسیب‌ها به میان آورند و این خود یک ترمیم ویژه است. به شکل معکوس، نوعاً برخی از آسیب دیدگان ممکن است از وضعیت روحی فوق‌العاده‌ای برخوردار باشند؛ دیدن چنین کسانی برای تکریم‌کنندگان، خود روحیه بخش و امید آفرین خواهد بود.

خودسازمان دهی برای تکریم خانواده‌های شهدا و آسیب دیدگان، نحوی مقاومت اجتماعی و آماده‌تر شدن تکریم‌کنندگان برای ارائه خدماتی دیگر ولو در وقت بحران است.

خدمت رسانی و نظارت دولت در ایام نوروز زمینه استمرار زندگی عادی مردم پس از آن را فراهم می کند.



در میانه جنگ رمضان، حفظ جریان عادی زندگی در آستانه نوروز، یک پاتک راهبردی علیه ماشین جنگی دشمن است. دشمن با هدف اختلال حداکثری در زیرساخت های زندگی، به دنبال فلج کردن زندگی مردم است، از این رو، جریان داشتن طبیعی امور و عادی سازی شرایط در شب عید، قدرتمندترین پیام بازدارنده و نشانه ثبات را به بیرون مخابره می کند. این وضعیت ثابت می کند

که امنیت و تاب آوری اقتصادی در داخل، ارتباط مستقیم با امنیت میدانی داشته و خط مقدم دوم در این جنگ است.

برای تحقق این ثبات، سیستم اجرایی باید با نظارت دقیق و مستمر بر زنجیره تأمین کالاهای اساسی، نسبت به مدیریت بازار اقدام کند. در این مقطع حساس، هرگونه احتکار و اختلال در بازار شب عید، مصداق بارز تروریسم اقتصادی و هم دستی با مهاجم است و نیازمند برخورد قاطع و بدون اغماض نهادهای حاکمیتی است.

استمرار این آرامش، مستقیماً در گرو حضور میدانی و بدون تعطیلی مدیران اجرایی در بطن بازار است تا جامعه، کارآمدی و رها نبودن سیستم را لمس کند. این حضور باید با تضمین پایداری صد درصدی زیرساخت های حیاتی نظیر آب، برق و انرژی، مدیریت ایمن و مستمر ناوگان حمل و نقل برای حفظ زنجیره توزیع، و همچنین پایداری قطعی شبکه های بانکی و پرداخت الکترونیک در روزهای پرتراکنش پایان سال به طور کامل پشتیبانی شود.

در نهایت، دولت موظف است با تخصیص بسته های حمایتی و معیشتی ویژه شرایط جنگی، چتر امنیت روانی را برای دهک های آسیب پذیر ایجاد کند و هم زمان با تسهیل گری و حمایت از پویش های مواسات مردمی و خیریه ها، همبستگی ملی را در آستانه سال نو عمق بخشد. مجموعه این خدمات و نظارت ها در نوروز، علاوه بر اینکه نقشه فلج سازی دشمن را خنثی می کند، زیرساخت روانی و فیزیکی قدرتمندی را برای استمرار زندگی و مقاومت ملی در ماه های پس از آن پایه ریزی خواهد کرد.

در اجتماعات خیابانی سبک جدیدی از مراسم تحویل سال برگزار شود.

ضرورت جمع میان سنت‌های اصیل ایرانی که سرشار از معانی دینی شده و مناسبت‌های روز امری است که باعث شده است در طول سالیان گذشته و پس از انقلاب، ایرانیان به یک فناوری اجتماعی برای جمع موفق میان چنین مقولاتی برسند. امسال از یک سو جنگی ناجوانمردانه بر ما تحمیل شده است و هم‌زمان با اوج دفاع و رشادت در آستانه سال تحویل



قرار گرفته‌ایم. سالی را آغاز می‌کنیم که چند روز قبلش شهیدی بزرگ و رهبری آزاده را از دست داده‌ایم. شهیدی که خود در جمع موفق میان این تلاقی‌ها استادی بی‌بدیل بود. سنگینی این مصیبت توأم با غم از دست دادن کودکان و زنان و مردانمان در این هجوم وحشیانه، به‌علاوه حس انتقام عمومی، نوعی مقاومت بزرگ اجتماعی می‌طلبد که به شکلی فعال و مبتکرانه وارد برگزاری تحویل سال شویم. ساعات تحویل سال تقریباً مصادف با آغاز تجمعات شبانه مردم است. این تجمعات شبانه می‌تواند قدری زودتر آغاز و هنگام تحویل سال با ابتکاراتی در برگزاری کیفی و معنوی تمام این احساسات مختلف را به خوبی کنار هم بنشانند و ما را وارد سال جدیدی کند که آینده نزدیک توأم با پیروزی و سیادت برای ایرانیان را رقم می‌زند. چنین ورودی می‌تواند حس هویت و سرنوشت مشترک و هم‌مقصودی و وابستگی به یکدیگر را بسیار تقویت کند.

از این رو برگزارکنندگان تجمعات، هیئت‌ها و مساجد می‌توانند از چند روز قبل از این مراسم، با اطلاع‌رسانی فعال در ساعاتی زودتر از روند پیشین خویش، در میانه خیابان و کنار میدان این مراسمات را آغاز کنند؛ حتی سفره‌هایی با عناصر نمادین هفت‌سین همراه با قاب عکس شهدا و نمادهای مقاومت از ماکت موشک و پهپاد مهیا سازند. سخنرانان می‌توانند از خانواده شهدا و حتی بخشی از مردم عادی از کارمند و کاسب و معلم باشند. مداحان و ذاکران، نوحه‌ها و رجزهای حماسی بخوانند یا اگر امکانی هست همه این تجمعات در نقطه‌ای ویژه در شهر سامان بگیرند. طبعاً باید از کلیشه‌ها اجتناب کرد و به جوشش خلاقیت‌ها مجال جدی داد.

در روزهای جنگ و سوگ ملی، نوروز باید به پیوند اجتماعی کمک کند نه به میدان اختلاف تبدیل شود.



نوروز در فرهنگ ایرانی صرفاً یک جشن تقویمی نیست؛ بلکه یکی از مهم‌ترین سازوکارهای بازتولید همبستگی اجتماعی و ترمیم روحی جامعه محسوب می‌شود. با این حال، هنگامی که جامعه در شرایطی خاص مانند جنگ و ازدست‌رفتن جمعی از هم‌وطنان یا چهره‌های مهم قرار می‌گیرد، طبیعی است که درباره نحوه برگزاری مناسک نوروزی دیدگاه‌های متفاوتی شکل بگیرد. برخی بر

حفظ کامل آیین‌های نوروزی به عنوان نماد تداوم زندگی و امید تأکید می‌کنند و برخی دیگر معتقدند شرایط سوگ و مقاومت ایجاب می‌کند که این مناسک باوقار و محدودیت بیشتری برگزار شود. این تفاوت دیدگاه‌ها در اصل امری طبیعی است. زمانی که جامعه با دو وضعیت عاطفی متفاوت — یعنی سوگ جمعی و نیاز به بازسازی امید — مواجه می‌شود، نوعی دوگانگی احساسی در عرصه عمومی شکل می‌گیرد. مسئله در این وضعیت تبدیل این اختلاف‌نظرها به تنش اجتماعی و شکاف داخلی است. اختلاف درباره مناسک، زمانی مسئله‌ساز می‌شود که به دآوری اخلاقی و برچسب‌زنی اجتماعی تبدیل گردد؛ به گونه‌ای که گروهی، گروه دیگر را به بی‌احترامی یا بی‌تفاوتی متهم کند. در چنین شرایطی، یک تفاوت رفتاری ساده می‌تواند به سرعت به یک منازعه اجتماعی تبدیل شود، به ویژه در فضایی که شبکه‌های اجتماعی امکان گسترش سریع این تنش‌ها را فراهم می‌کنند. تجربه تاریخی ایران نشان می‌دهد که نوروز حتی در دشوارترین دوره‌ها نیز برگزار شده است. راز ماندگاری این آیین در آن است که توانسته هم‌زمان حامل چندمعنا باشد: احترام به یاد درگذشتگان، قدردانی از فداکاری‌ها و درعین حال حفظ امید و تداوم زندگی.

بنابراین، مهم‌ترین مسئولیت اجتماعی در چنین شرایطی، پذیرش تنوع در شیوه‌های ابراز احساسات جمعی است. برخی ممکن است نوروز را با جلوه‌های شادتر برگزار کنند و برخی باوقار و سکوت بیشتر. این تفاوت‌ها لزوماً نشانه بی‌احترامی یا بی‌تفاوتی نیست. اگر جامعه بتواند اختلاف‌نظرها را در چارچوب احترام متقابل مدیریت کند، نوروز نه تنها به عامل شکاف تبدیل نخواهد شد، بلکه می‌تواند به فرصتی برای تقویت همبستگی و بازسازی امید جمعی در یکی از حساس‌ترین مقاطع اجتماعی تبدیل شود.

صله رحم در نوروز مهم ترین فرصت برای گفتگو با بدنه خاموش اجتماعی است.

در طول این سال‌ها و خصوصاً ایام اخیر، ماشین رسانه‌ای دشمن با بهره‌گیری از الگوریتم‌های تفرقه‌افکن، ذهن قشر خاموش را در محاصره شناختی قرار داده و ماریج سکوئی خطرناک علیه انسجام ملی ایران ساخته است. در مقابل، جریان انقلاب نیز گاه در جمع‌های هم‌فکر خود حبس شده و ارتباطش با توده مردم کم‌رنگ شده است.



با نزدیک شدن به ایام نوروز، در این تقاطع تاریخی، صله‌رحم نوروزی یک مأموریت راهبردی است. پیوندهای خونی و فضای گرم دیدوبازدیدها، سپر دفاعی قدرتمندی در برابر هجمه رسانه‌ها شکل می‌دهد که فرصت خوبی برای طرح سؤالات و شبهات مردم را پدید می‌آورد.

جریان انقلابی باید از این فرصت طلایی برای تبیین خانوادگی بهره‌برد. رهبر شهید انقلاب در فرمان جهاد تبیین خود فرموده بودند هرکس همانند چراغی، اطراف خود را روشن کند. مصداق بارز این جهاد را می‌توان در ایام عید، به اجرا درآورد. باید با زبانی ساده، همه‌فهم و صمیمی، ریشه‌ها و اهداف و آینده جنگ را تشریح کرد. در این گعده‌های خانوادگی، باید اهداف پنهان دشمن که نابودی زیرساخت‌ها، فروپاشی اقتصاد و مختل کردن دائم زندگی ایرانیان است باهدف تجزیه کشور، افشا شده و به شبهات رسانه ساخته با منطق و استدلال در حد توان پاسخ داده شود.

علاوه بر گذشته، باید افق روشن پسا جنگ ترسیم شود و به سختی‌های فعلی، معنای هزینه‌ای اجتناب‌ناپذیر برای استقلال و امنیت پایدار بخشید. یادآوری اصل هم‌سرنوشتی ملی در این ایام ضروری است؛ چرا که ترکش‌های دشمن موافق و مخالف نمی‌شناسد. در این میان، نیروی دغدغه‌مند باید لنگرگاه آرامش روانی خانواده باشد و با تزریق امید، تاب‌آوری جمعی را ارتقا دهد. بدنه خاموش اجتماعی، با تبیین و زدودن غبارهای شک و شبهه، به حرکت در خواهد آمد و مردم شریف ایران اگر حق برای آنها روشن شود، حتماً پای آن ایستاده و از آن دفاع می‌کنند.

شرط اساسی موفقیت در این مسیر، صداقت و رعایت آداب ارتباط مؤثر است. پیش از خطاب خواندن، باید شنونده‌ای همدل برای دغدغه‌ها و ترس‌های فامیل باشیم. پرهیز مطلق از قطبی‌سازی، برچسب‌زنی و ادبیات تهاجمی یک ضرورت قطعی است.

سنت نوروز در نقطه مقابل اراده دشمن برای تعطیل کردن زندگی است.



در جنگ اخیر، یکی از اهداف اصلی دشمن در میدان نبرد، فراتر از اهداف نظامی، اجرای پروژه فلج سازی زیستی و روانی مردم است. استراتژی آن ها مبتنی بر حذف آینده و ایجاد تعلیق دائمی است تا با بمباران اخبار، مفهوم فردا را در ذهن ایرانیان از بین ببرند. در این مسیر، تخریب اقتصاد خرد از طریق رکود تحمیلی و توقف چرخش مالی شب عید، در کنار انزوای اجتماعی و قطع شبکه های

انسانی از طریق القای ترس برای جلوگیری از دوره می ها، دنبال می شود. این اقدامات در مجموع یک زمستان سازی مصنوعی است تا فضای کشور در آستانه بهار، تاریک، سرد و افسرده نشان داده شود. اما در برابر این مرگ طلبی، ذات نوروز به مثابه یک مقاومت زیستی عمل می کند که در آن، صرف شادی کردن و چیدن سفره هفت سین، یک دهن کجی بزرگ و کنش مقاومتی تمام عیار در برابر اراده دشمن است. سنت خانه تکانی در تقابل با انباشتگی بحران، روان جامعه را از غبار ترس و استرس پاک سازی کرده و نظم را در برابر هرج و مرج طلبی دشمن بازمی گرداند. سفره هفت سین به محراب امید و تاب آوری تبدیل می شود و نمادهای آن دقیقاً در نقطه مقابل ویرانی و ضعفی قرار می گیرند که دشمن در پی القای آن است. امسال، دعای تحویل سال نیز نوعی مانیفست تغییر و اراده جمعی ملت برای ساختن بهترین شرایط در دل بحران است که از محضر خداوند متعال طلب می شود.

در میدان عمل نیز تقابل های رفتاری چشمگیری شکل خواهد گرفت. جریان خون در رگ های اقتصاد با خریدهای نوروزی، پادزهر محاصره و رکود تحمیلی دشمن است. از سوی دیگر، شکستن حصار انزوا با دیدوبازدیدها، دقیقاً همان شبکه اجتماعی حقیقی و گرمی را می سازد که دشمن، سعی در نابودی آن داشت و سنت عیدی دادن در برابر احتکار، روحیه سخاوت را جایگزین روان شناسی ترس و خودخواهی در جنگ خواهد کرد. احیای رنگ و نور در شهرها نیز تصویر تیره و خاکستری رسانه های جهانی از ایران را خنثی می سازد.

برگزاری باشکوه نوروز، قوی ترین پیام مخابره ای به جهان است که ایران زنده است و زندگی در اینجا متوقف نمی شود. در شرایطی که بحران ها هویت افراد را تهدید می کنند، حفظ هویت ملی به عنوان لنگرگاه روانی، انسجام جامعه را تضمین می کند. جامعه ای که در اوج جنگ نوروز را جشن می گیرد، به ماشین محاسباتی دشمن حمله کرده است.

جمع نشانه‌های نوروز (به عنوان نماد امید) و نشانه‌های عزا (به عنوان نماد انتقام) در نوروز امسال ضروری است.

روحیه مردم، عنصر زیرساختی مقاومت و پایداری است. جنگ هم نیازمند عنصر عزا به عنوان عنصر محرک انتقام است و هم نیازمند امید به پیروزی به عنوان عنصر نشاط روحی است. نوروز، معنایی از امید و ایجاد چشم‌انداز دارد. نوروز، بشارت‌دهنده سالی باشکوه برای ایران پس از پیروزی در جنگ پیش رو است. جدای از بعد معنایی، نوروز مجموعه‌ای از



ظرفیت گسترده رسومات با محوریت صلح ارحام است. دیدوبازدید اقوام و آشنایان، عامل مهم همبستگی اجتماعی ایرانیان بوده و هست. سنت تکریم و پذیرایی از میهمان یک سنت اسلامی و ایرانی است. این دو بستر کاملاً طبیعی و صمیمی در خانواده، اقوام و آشنایان امکان تعامل و گفتگو در مورد جنگ را فراهم می‌سازد. به خلاف فضای محدود، ایزوله شده و فاقد صمیمیت مجازی، فضای دید و بازدیدهای نوروزی فرصت بی‌نظیر طبیعی گفتگوی بدنه انقلابی با طیف گسترده و متنوع جامعه را در موضوع مهم جنگ فراهم می‌سازد. صلح‌رحم فرصتی برای تواضعی به حق و تواضعی به صبر است. هدیه دادن به دیگران نیز امری پسندیده و اسلامی است و قلوب را به هم نزدیک می‌کند. سایر سنت‌های نوروزی همچون مراسم تحویل سال، دعای تحویل سال، سفره هفت‌سین و غیر آن ظرفیت‌های ارزنده پایداری و همبستگی اجتماعی ایران است. مومن به توصیف اهل بیت علیهم‌السلام، حزنش در قلبش است و بشارتش در صورتش. این پیچیدگی و به اصطلاح توداری انسان مومن ایرانی را در این نوروز باید به نمایش بگذاریم.

طبعاً استمرار این حزن در قلب جامعه نیازمند حفظ نشانه‌های آن نیز هست؛ لذا بیرق و نشانه‌های عزای امام شهیدمان و شهدای جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی و آمریکا را باید حفظ کرد. ارزش حفظ این بیرق به مسئله مهم «خون‌خواهی» و «انتقام» پیوند خورده است. از این رو باید در فضای رسانه‌ای و محیطی، وزن نشانه‌های عزا و انتقام در کنار وزن نشانه‌های سنت نوروزی با معنای امید و بشارت و نشاط را به شکل متعادلی حفظ نمود.

مسافرت‌های شهر تهران نباید به خالی‌شدن شهر

منجر شود.



سفر و جابه‌جایی مردم در ایام تعطیلات، به‌ویژه در مناسبت‌هایی مانند نوروز، بخشی طبیعی از زندگی اجتماعی است. بسیاری از خانواده‌ها از این فرصت برای استراحت، دیدار با اقوام یا تغییر فضای زندگی استفاده می‌کنند. با این حال، در شرایطی که یک کشور با تنش‌ها یا تهدیدهای امنیتی روبه‌رو است، نحوه مدیریت این جابه‌جایی‌ها اهمیت بیشتری

پیدا می‌کند. پایتخت هر کشور صرفاً یک شهر بزرگ نیست؛ مرکز اصلی اداره امور، زیرساخت‌های حیاتی و کانون تصمیم‌گیری‌های ملی است. به همین دلیل، حفظ پویایی و حضور طبیعی جمعیت در تهران نقش مهمی در ثبات اجتماعی و شهری دارد. اگر در مقاطعی خاص، حجم سفرها به‌گونه‌ای باشد که بخش قابل‌توجهی از جمعیت از تهران خارج شود، ممکن است خلأی ایجاد شود که مدیریت شهری و امنیت اجتماعی را با چالش مواجه کند.

تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که در شرایط حساس، سیاست‌های شهری و اطلاع‌رسانی عمومی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که تعادل جمعیتی در شهرهای مهم حفظ گردد. این به معنای منع سفر نیست، بلکه به معنای مدیریت هوشمندانه جریان سفر و جلوگیری از تخلیه گسترده شهر، کلیدی است. پایتخت، زمانی پایدار و امن می‌ماند که زندگی عادی در آن جریان داشته باشد؛ خیابان‌ها فعال باشند، کسب‌وکارها باز بمانند و حضور مردم در فضاهای شهری حفظ شود. حضور شهروندان، خود یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ نظم و پایداری اجتماعی است؛ بنابراین، در کنار حق طبیعی سفر، توجه به شرایط عمومی و حفظ تعادل جمعیتی در شهرهای حساس مانند تهران نیز اهمیت دارد. شهری که زندگی در آن جاری است، کمتر در معرض بی‌ثباتی قرار می‌گیرد و بهتر می‌تواند از دوره‌های دشوار عبور کند.

نوروز آیینی است که در شرایط تقابل، قدرت نرم و تاریخی جامعه ایرانی را آشکار می سازد.

نوروز در فرهنگ ایرانی نمادی از عمق تاریخی، انسجام فرهنگی و پایداری اجتماعی یک ملت است. در شرایطی که ایران در رویارویی و جنگ با متجاوزین قرار دارد، این آیین می تواند فرصتی برای نمایش قدرت نرم و عمق تمدنی جامعه ایرانی باشد. در چنین موقعیتی، نوروز به صحنه ای بدل می شود که مردم، به جای واکنش های خصمانه، از طریق همبستگی، مدارا و رفتارهای انسانی، پیام ریشه داری فرهنگی خویش را به جهان مخابره می کنند.



در روزگاری که جنگ ها بر پایه قدرت نظامی و فناوری سنجیده می شوند، جامعه ایرانی با برگزاری مناسب و متناسب نوروز با شرایط جنگی نشان می دهد که قدرت واقعی یک ملت در پایداری فرهنگی و اجتماعی او نهفته است. مردم، با حفظ سنت های تاریخی، روابط انسانی و ارزش های اخلاقی، در عمل اعلام می کنند که هویت ایرانی بر پایه فرهنگ و معنویت بنا شده است.

در جریان این تجاوز آشکار نیز نوروز می تواند پیام روشنی به جهان منتقل کند: جامعه ای که ریشه هایش در چند هزار سال تاریخ فرهنگ و اخلاق انسانی است، نه تنها از بحران ها نمی هراسد، بلکه در میان آن ها نیز توان بازآفرینی خود را دارد. کمک و یاری به دیگران در ایام نوروز، احترام به سنت ها، توجه به همسایه و ایجاد فضای صلح و آرامش در خانواده ها، به نوعی نشان می دهد که ملت ایران حتی در شرایط جنگ، ارزش های اصلی تمدن خود، یعنی نوع دوستی، مدارا و کرامت انسانی را از دست نمی دهد. چنین رفتارهایی شکل گیری نوعی «وحدت فرهنگی مقاوم» را در جامعه ممکن می سازد. جامعه ای که بر پایه اعتماد، همکاری و مسئولیت متقابل سازمان می یابد، هم در برابر فشارهای بیرونی استحکام بیش تری پیدا می کند و هم تصویری متعالی از خود به دیگران ارائه می دهد. آنچه در ایام نوروز اتفاق می افتد، در واقع تمرینی جمعی برای مقاومت فرهنگی است؛ مقاومتی که نه از راه درگیری، بلکه از طریق استمرار آیین، خلق زیبایی و حفظ روابط انسانی تحقق می یابد.

ملت ایران در بحبوحه بحران و جنگ، با برگزاری خاص این شرایط نوروز و تأکید بر ارزش های انسانی اش، آیین بازنمود قدرت فرهنگی، انسجام اجتماعی و ژرفای تمدن ایرانی است؛ قدرتی که در دل روابط انسانی و همدلی مردمان ریشه دارد و تا زمانی که این روابط زنده اند، این تمدن نیز پابرجا خواهد ماند.

هم‌زمانی نوروز و عید فطر می‌تواند سرمایه‌ای فرهنگی برای تقویت تاب‌آوری جمعی جامعه در شرایط جنگ باشد.



هم‌زمانی نوروز با عید سعید فطر در سال جاری، در شرایطی رخ می‌دهد که جامعه با پیامدهای جنگ و فشارهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن مواجه است. این تقارن زمانی، اگرچه در ظاهر ممکن است نشانه‌ای از دشواری مضاعف در برگزاری آیین‌ها و سنت‌های جمعی باشد، اما از منظر اجتماعی می‌تواند به فرصتی برای تقویت تاب‌آوری

جمعی تبدیل شود؛ ماه رمضان در فرهنگ اسلامی، ماه همبستگی اجتماعی، انضباط اخلاقی و توجه به دیگری است. سنت‌هایی مانند افطاری دادن، کمک به نیازمندان، پرداخت زکات فطریه و تقویت روابط خانوادگی و اجتماعی، شبکه‌ای از کنش‌های جمعی را شکل می‌دهند که سرمایه اجتماعی جامعه را تقویت می‌کند. این سرمایه اجتماعی در شرایط بحران، یکی از مهم‌ترین منابع برای حفظ انسجام و افزایش توان جامعه در مواجهه با دشواری‌ها به شمار می‌آید.

ازسوی دیگر، نوروز نیز در فرهنگ ایرانی نماد نو شدن، بازسازی امید و تجدید پیوندهای اجتماعی است. دیدوبازدیدهای نوروزی، صلح‌رحم، هدیه‌دادن و توجه به خانواده و خویشاوندان، همگی آیین‌هایی هستند که حس تعلق و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کنند. در واقع نوروز نوعی بازتولید نمادین امید اجتماعی و بازآفرینی پیوندهای انسانی در آغاز سال جدید است.

هم‌زمانی این دو سنت بزرگ فرهنگی و دینی می‌تواند نوعی هم‌افزایی اجتماعی ایجاد کند. در شرایط جنگ، روح اصلی این سنت‌ها - یعنی همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و توجه به دیگری - می‌تواند پررنگ‌تر شوند. پرداخت زکات فطریه، حمایت از خانواده‌های آسیب‌دیده، ساده‌تر شدن مهمانی‌ها و تقویت شبکه‌های همیاری محلی، نمونه‌هایی از بازتعریف این سنت‌ها در شرایط دشوار است.

تاب‌آوری اجتماعی دقیقاً در چنین لحظاتی معنا پیدا می‌کند؛ زمانی که جامعه با آگاهی از شرایط و با اتکا به سرمایه‌های فرهنگی و اخلاقی خود، راه‌هایی برای حفظ همبستگی و امید می‌یابد. سنت‌های ماه رمضان، عید فطر و نوروز می‌توانند به عنوان سازوکارهای فرهنگی قدرتمند، زمینه‌ای برای تقویت حس مسئولیت جمعی و مراقبت اجتماعی فراهم کنند.